

## تأمین مالی کارگزاران در نظام اداری علوی علیه السلام با تأکید بر نامه ۵۳ نهج البلاغه

حسن رضایی هفتادر (عضو هیات علمی دانشگاه تهران)

hrezaii@ut.ac.ir

عباس یوسفی تازه‌کندی (دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم)

auosefi6@gmail.com

مهدی فرامرزی پلنگر (دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران پردیس فارابی)

tabarsi313@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۶)

### چکیده

تأمین مالی کارگزاران، از عمده‌ترین تمهیدات سلامت مالی و اداری یک جامعه به شمار می‌رود؛ از این‌رو، امام علی علیه السلام در فرمان‌ها و دستورالعمل‌های حکومتی و اداری خود، بر تأمین مالی کامل کارگزاران سخت تأکید می‌کرد. بنا بر نظام اداری علوی علیه السلام، تأمین و عدم تأمین مالی کارگزاران آثاری در بی‌داری دارد. در نگاه امام علی علیه السلام، اصلاح نفس کارگزاران و حجت داشتن برای مؤاخذه کارگزاران خطاکار، از مهم‌ترین فواید تأمین مالی کارگزاران محسوب می‌شود. نظام اداری علوی علیه السلام، دریافت رشوه و خیانت در بیت‌المال را از مهم‌ترین پیامدهای عدم تأمین مالی کارگزاران برمی‌شمارد.  
کلیدواژه‌ها: مدیریت علوی، نیاز مالی عاملان، نامه ۵۳ نهج البلاغه.

## مقدمه

انسان بنا بر آموزه‌های اسلام، موجودی جسمانی - روحانی و سراسر فقر و نیاز است (فاطر/۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۳۱/۸؛ طوسی، بی‌تا: ۴۲۱/۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۶/۲۲۹)؛ و در زمین با محدودیت‌های خاصی زندگی می‌کند و نیاز مادی، بارزترین نیاز اوست که هرکس در اولین وهله آن را می‌یابد. انسان براساس طبیعت و خوی حیوانی خود، اگر به‌طور قانونی نتواند نیازهای خود را برآورده کند، از مسیر منحرف خواهد شد و نیازهای خود را از راه‌های غیرقانونی و غیرشرعی تأمین خواهد کرد. تأمین نیازهای مالی در آموزه‌های اسلام، مسأله مهمی است که مدیران و مسئولان، در هر مجموعه‌ای باید در نظر داشته باشند؛ به‌طوری که در هر جامعه‌ای اگر در نظام مدیریتی آن، به تأمین نیازهای مادی توجه نشود، آن جامعه دچار فساد مالی و اداری خواهد شد (احمدی، ۱۳۸۹: ۹۷-۱۰۸).

فساد مالی و اداری در نظام مدیریتی، می‌تواند در اشکال مختلف ظهور کند، لذا مسأله نیازهای مادی و توجه جدی برای برآوردن آن‌ها طبق اوضاع حاکم بر جامعه، یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران و مسئولان است. اهمیت این موضوع، زمانی مشخص می‌شود که بدانیم اگر کارگزاران در نظام مدیریتی کشور در امانات خیانت نکنند، جامعه خود به خود به سوی پیشرفت و اصلاح امور خواهد رفت (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵: ۷/۱۲۹). فساد مالی و اداری، ازجمله مباحث مهم و چالش برانگیز در عرصه‌های داخلی و خارجی است. فساد مالی، سابقه‌ای به قدمت جامعه بشری دارد و مختص دوره‌ای خاص در تاریخ سیاسی - اداری نیست و به کشوری معین محدود نمی‌شود. اما شکلی که فساد مالی به خود گرفته، در طول تاریخ و از یک قوم به قوم دیگر تغییر یافته است.

بسیاری از کشورها تدابیر خاص قانونی و اداری، برای مبارزه با این پدیده اندیشیده‌اند و سازمان‌های مختلفی نیز در عرصه بین‌المللی، با برنامه‌ریزی خاص خود، هم‌چنان در پی کاهش آمار فساد مالی و اقتصادی هستند. در واکاوی علل و زمینه‌های بروز فساد مالی و اداری، باوجود تنوع علت‌ها و وابسته نبودن این مقوله به علتی واحد یا عللی محدود و معین، می‌توان یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های بروز فساد مالی و اداری را عدم تأمین مالی کارگزاران در نظام مدیریتی دانست.

نامه ۵۳ نهج البلاغه، به سبب دستورالعمل‌های حکومتی و مدیریتی و معارف والای آن، از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو در آثاری چون:

«آسیب شناسی مدیریت سیاسی حاکمان و زمامداران با تأکید بر سیره حکومت امام علی (علیه السلام)» نوشته عباس همامی و اکرم دیانی در دشتی چاپ شده در مجله پژوهش دینی شماره چهارده سال ۱۳۸۵؛

«آسیب شناسی مدیریت از منظر امام علی (علیه السلام) در سیاست‌ها و تدابیر اجتماعی» نوشته حبیب‌الله حلیمی جلودار چاپ شده در پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی شماره بیست و نهم سال ۱۳۸۷؛

«معیارهای انتخاب و انتصاب مدیران با رویکرد شایسته‌گزینی در نهج البلاغه» نوشته زهره موسی زاده و مریم عدلی چاپ شده در مجله اندیشه مدیریت شماره اول سال ۱۳۸۸؛

«سیاست مدیریتی و ویژگی‌های مدیران در نهج البلاغه» نوشته محمد علی ربی پور و منوچهر صمدی وند چاپ شده در مجله فراسوی مدیریت شماره هشتم سال ۱۳۸۸؛

«ساز و کارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (علیه السلام)» نوشته محمد حسین کشیکیان چاپ شده در مجله کارگاه شماره هفتم سال ۱۳۸۸؛

«ویژگی‌ها و وظایف کارگزاران در نهج البلاغه» نوشته سیاوش پور طهماسبی و آذر تاجور چاپ شده در پژوهش‌نامه علوی شماره دوم سال ۱۳۸۹؛

«بررسی شاخص‌های عدالت سازمانی در نهج البلاغه با تأکید بر فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر» نوشته محمد حسین مشرف جوادی و محمد مهدی ابوطالبی چاپ شده در مجله مدیریت اسلامی شماره اول سال ۱۳۹۰؛

«حکومت و حقوق متقابل مردم و زمامداران در نهج البلاغه» نوشته زین العابدین گل صنم لو و عبدالله موحدی محب چاپ شده در فصلنامه مطالعات تفسیری شماره هفتم سال ۱۳۹۰؛

«تبیین مولفه‌های سیاست اخلاق امام علی (علیه السلام) پس از رسیدن به امامت و حکومت» نوشته حسین سلطان محمدی و فاطمه سلطان محمدی چاپ شده در پژوهش‌نامه علوی شماره اول سال ۱۳۹۱؛

«مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی» نوشته جهانبخش ثواقب چاپ شده در پژوهش‌نامه علوی شماره دوم سال ۱۳۹۱؛

«امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه» نوشته اسماعیل خان احمدی چاپ شده در فصلنامه آفاق امنیت شماره پانزدهم سال ۱۳۹۱؛

«آسیب‌های سیاسی و اجتماعی در نهج البلاغه» نوشته حبیب الله حلیمی جلودار چاپ شده در پژوهشنامه نهج البلاغه شماره اول سال ۱۳۹۲؛

«شاخص‌های ارتباط مطلوب با زمامدار در نهج البلاغه» نوشته سهراب مروتی و زهرا ضیایی چاپ شده در فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه شماره اول سال ۱۳۹۲؛

«عوامل ناامیدی و راهبردهای انگیزشی نهج البلاغه و درمان آن» نوشته مرتضی قائمی و کامران یزدان بخش و طیبه امیریان چاپ شده در فصلنامه پژوهش نامه نهج البلاغه شماره اول سال ۱۳۹۲، مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است.

با توجه به محتوای مقالات پیش گفته، می‌توان گفت در این مقالات به ویژگی‌های کارگزاران، نحوه انتخاب آن‌ها، وظایف آن‌ها، نقش آن‌ها در امنیت و لزوم پرداخت حقوق آن‌ها پرداخته شده؛ اما به میزان تأمین مالی کارگزاران و آثار و پیامدهای این امر مهم توجه نشده است. مسأله تأمین مالی کارگزاران، یکی از معارف کاربردی است که در پی‌گیری نامه ۵۳ نهج البلاغه از آن غفلت شده یا کمتر بدان پرداخته شده است. از آنجایی که دستورالعمل‌های مدیریتی امام علی علیه السلام راه‌گشای بسیاری از مشکلات کشور است، توجه به این مسأله و تبیین ابعاد مختلف آن در نظام اداری علوی علیه السلام اهمیتی دوچندان می‌یابد و می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات اداری کشور باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به سؤالات زیر است:

- بنا بر نظام اداری علوی علیه السلام و به‌ویژه نامه ۵۳ نهج البلاغه، تأمین مالی کارگزاران چگونه باید باشد؟

- از نگاه نظام اداری علوی علیه السلام، تأمین و عدم تأمین مالی کارگزاران چه آثاری در پی دارد؟

## ۱. فلسفه تأمین مالی کارگزاران

امامان معصوم علیهم السلام در سیره گفتاری و عملی خود، همواره تأمین نیازهای مالی کارگزاران و اهمیت توجه به آن را به مدیران ارشد خود گوشزد می‌کردند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۰). امام علی علیه السلام در همین زمینه به مالک اشتر، فرماندار مصر چنین دستور می‌دهد: «حقوق و مزایای کارگزاران را به‌طور کامل بپرداز!» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

علی علیه السلام در نامه‌ای به ابن عباس نیز به او دستور می‌دهد که نیمی از غلات و غنایمی را که نزد خود دارد میان کارگزارانش تقسیم کند تا بی‌نیاز شوند و نیم دیگر آن را نزد آن حضرت بفرستد (منقری کوفی، ۱۴۰۴: ۱۰۶). تأمین مالی کارمندان، از این جهت اهمیت دارد که اولاً این کار باعث انگیزش کارمندان نسبت به کارکردن می‌شود؛ کارکرد کارگزاران، رابطه نزدیکی با میزان رضایت آنان از شغل و درآمدشان دارد و عدم ارضای نیازهای کارگزاران در سازمان، به صورت بازدهی کم، سوددهی پایین و هدف‌های تحقق نیافته جلوه‌گر می‌شود (الوانی، ۱۳۷۹: ۲۵۳؛ دادگر، ۱۳۸۲: ۹۷-۱۰۸؛ یزدان‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۴۶).

امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر به او توصیه می‌کند که بذل و بخشش افسران نظامی به زبردستان، آنان را از غم خانواده و زندگی آسوده‌خاطر می‌کند و موجب می‌شود که همی جز مبارزه با دشمن نداشته باشند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۳۲). در واقع یکی از راه‌های افزایش بازدهی، تمرکز افراد بر کار و رهایی از دغدغه‌های زندگی است. ثانیاً حقوق و مزایای مناسب، انگیزه کارگزاران را برای ارتکاب فساد و هرگونه خیانت و دستبرد در بیت‌المال کاهش می‌دهد. هنگامی که درآمد کارگزاران برای تأمین حداقل مایحتاج زندگی کافی باشد، نیاز آنان به درآمد ناشی از فساد اداری کاهش می‌یابد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۲۲؛ حجازی، ۱۳۶۰: ۲۱۱).

## ۲. میزان تأمین مالی کارگزاران

امام علی علیه السلام در تأمین حقوق کارمندان و تلاش برای بهبود وضعیت معیشتی آنان، به مالک اشتر چنین دستور می‌دهد:

به کارگزاران حقوق فراوان بده! زیرا آن‌ها را در اصلاح خویش تقویت می‌کند و از خیانت در اموالی که در اختیار آن‌هاست، بی‌نیاز می‌سازد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

حضرت علی علیه السلام در توصیه به مالک اشتر، درباره تأمین مالی کارگزاران، از عبارت «أَسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ وَ...» (همان)، استفاده کرده است. آن حضرت واژه «رزق» را در عبارت پیش گفته، به صورت جمع یعنی «ارزاق» ذکر فرموده، که این اشاره به نیازهای متعدد معیشتی است (دنبلی خوئی، ۱۳۲۵: ۳۴۰)؛ یعنی مدیر در تأمین نیازهای کارگزاران باید نگاهش همه جانبه باشد و این گونه نباشد که به برخی نیازها توجه کند و از نیازهای دیگر آنان غافل شود. هر مدیر مسئولیت‌پذیر، باید هم به نیازهای اولیه و هم به نیازهای ثانویه زبردستان خود توجه داشته



باشد و اولویت نیازها را در نظر بگیرد. در واقع منظور امام از عبارت مذکور، این است که باید به تمام نیازهای کارگزاران توجه شود و در ارضای نیازها به حداقل بسنده نشود و در این راه بذل و بخشش وجود داشته باشد (ابن فارس، بی تا: ۱۲۹/۲؛ حربی، ۱۴۰۵: ۴۰۷؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳۳۷/۲؛ پیروز، ۱۳۸۴: ۱۶۲؛ بیهقی، ۱۳۷۵: ۵۴۴/۲).

البته فرمایش حضرت علی علیه السلام، به این معنا نیست که باید بدون حساب و کتاب به کارگزاران حقوق داد، بلکه مقصود، تأمین در حد آسایش و امنیت خاطر است (جبرئیلی، ۱۳۸۱: ۴۶). به همین سبب امام علی علیه السلام در مصرف بیت المال جانب احتیاط را رعایت می کرد چنان که در پاسخ به درخواست مالی عبدالله بن زمعه، به او هم سهمی چون سایرین داد (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲). حضرت علی علیه السلام هرگاه خطایی از سوی کارگزارانش می دید، با آنها برخورد می کرد و حتی دستور به برکناری آنها از مقام و مسئولیت می داد (نوری، ۱۴۰۷: ۴۳۰/۱۷). نامه امام به منذر بن جارود عبدی که در فرمانداری خود خیانت کرده بود نمونه ای از این برخوردهاست (نهج البلاغه، نامه ۷۱). لذا امام علیه السلام مکرر و با تأکید بسیار از امتیازخواهی، خود اختصاصی امکانات دولتی بیش تر از سهم هرکس را نهی فرموده است (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۱۶؛ صائب، ۱۳۸۳: ۸۴؛ قربانی، ۱۳۶۰: ۱۴۷؛ صدیق عربانی، ۱۳۸۲: ۲۲۸؛ اخوان کاظمی، ۱۳۸۱: ۹۷)؛ چنان که امام علی علیه السلام مالک اشتر را از امتیازخواهی برحذر داشته، چنین می فرماید: «ای مالک! مبادا در آنچه همه مردم مساوی اند، امتیازی برای خود در نظر بگیری...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

نقل است که حضرت علی علیه السلام به عمار یاسر، عبیدالله بن ابی رافع و ابا هیثم بن تیهان دستور می دهد در تقسیم فیء، عدالت را میان مسلمانان رعایت کنند (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۳۸۴/۱). درباره امتیاز ندادن حضرت علی علیه السلام به هیچ کس، حتی به خواهر خویش، نقل شده است که روزی خواهرش امهانی خدمتش رسید. حضرت به وی بیست درهم بخشید، امهانی از برده آزد شده اش پرسید: «امیرمؤمنان چقدر به تو داد؟» گفت: «بیست درهم». امهانی بازگشت. حضرت علی علیه السلام به وی فرمود: «بازگرد! خداوند تو را رحمت کند! ما در کتاب خداوند، برتری ای برای اسماعیل بر اسحاق نیافتیم» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۴۴۳؛ غلامعلی، ۱۳۸۹: ۲۲۵ و ۲۴۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۷۴/۲؛ حکیمی، ۱۳۷۸: ۱۲۸). امتیاز ندادن امام به برادرش عقیل در راستای عدالت علوی نیز زبازد است (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

### ۳. فواید تأمین مالی کارگزاران

تأمین مالی کارگزاران فواید و آثاری در نظام مدیریتی دارد. امام علی علیه السلام آن‌ها را در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر برمی‌شمارد. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

#### ۳-۱. خودسازی و اصلاح نفس

اگر جامعه‌ای بخواهد به صلاح و سداد برسد و روی عافیت و پیشرفت را ببیند، زمامداران آن باید خود را به صلاح و سداد بیاریند و از خلاف و فساد و رذایل اخلاقی چشم‌پوشند (ذاکری، ۱۳۸۶: ۱۳۹/۲). در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

دو گروه از امت هستند که اگر اصلاح شوند، امت اصلاح می‌شود و اگر فاسد شوند، امت فاسد می‌شود. آن دو گروه اینانند: فقیهان و امراء (حاکمان) (صدوق، ۱۳۶۲: ۳۶/۱، ۳۷).

امام علی علیه السلام یکی از مهم‌ترین فواید تأمین مالی کارگزاران را اصلاح نفس آن‌ها می‌داند و در این زمینه به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «روزی فراوان بر آنان ارزانی دار! که این کار، کارگزاران را در مسیر بازنگری و ایجاد تحول در رفتار و افکارشان، نیرومند می‌سازد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ موسوی، ۱۳۷۶: ۵۸/۵).

در صورتی که کارگزار به اندازه کافی برای شئون زندگی خود و افراد تحت تکفل خود، حقوق دریافت کند، می‌تواند در زمینه اصلاح خود از نظر تزکیه و تطهیر مسائل اخلاقی و... موفق باشد و همت خود را بر آن نهد که خود و فرزندان را کنترل و در راه درست حرکت دهد (قوچانی، ۱۳۷۷: ۴۶).

امام علی علیه السلام در فرمان خویش درباره تأمین مالی کارگزاران (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، به این حقیقت تربیتی اشاره می‌فرماید که پرداخت کامل حقوق و گشایش در روزی کارگزاران، به آنان کمک می‌کند تا در جهت اصلاح خود گام بردارند؛ زیرا تنگناهای زندگی، هر انسانی را وسوسه می‌کند و ممکن است زیر فشارهای سخت معیشتی، به کارهای نادرست و دور از امانت داری دست بیالاید. پس نظام اداری، باید به گونه‌ای باشد که کارگزاران آن از نظر زندگی و معیشت، تأمین باشند و امنیت لازم از این نظر برایشان فراهم گردد و زمینه خیانت و ستم‌گری مسدود و راه اصلاح و خدمت‌گزاری گشوده گردد (خدمتی، ۱۳۸۱: ۳۴۶).



گفتنی است اصلاح و پاکسازی درون، زمینه مناسبی برای تقوا و خودکنترلی خواهد بود (همان، ۱۶۱). خودسازی و اصلاح خویش در این بُعد را به خویشتن‌داری در برابر پذیرش رشوه و هرگونه خیانت در مقامی که به کارگزاران محول گردیده می‌توان تأویل نمود. درست است که هرکس وظیفه دارد از راه جهاد با نفس، خودسازی کند، دیگران نیز - به‌ویژه مدیران - باید در این راه، زمینه‌سازی و کمک کنند (بهشتی، ۱۳۸۶: ۴۱۰).

### ۳-۲. اتمام حجت بر کارگزاران خطاکار

اتمام حجت با مکلف، یکی از شرایط اولیه کیفر و مجازات و برخورد با خلافکار است. سنت پروردگار در پاداش و عقاب بندگان بر اتمام حجت مبتنی است. خداوند، انسان را به تفکر در آفرینش، نعمت‌های الهی، دلایل آشکار پیامبران و... فرا می‌خواند و می‌فرماید کسانی که آیات الهی را تکذیب کنند، بد فرجامی دارند (روم/۸-۱۳). پس چنان‌چه ولی امر یا مافوق، حجت را بر افراد تحت امر تمام نکرده باشد، عقلاً و شرعاً و قانوناً نمی‌تواند با آن‌ها برخورد لازم را داشته باشد؛ زیرا مسأله «قبح عقاب بلا بیان» پیش می‌آید که یکی از اصول قطعی و عقلی به شمار می‌رود که در بحث اصول، یکی از پایه‌های اجتهاد فقیهان بزرگ قرار گرفته است (آخوند خراسانی، ۱۴۲۸: ۴۰/۳؛ انصاری، ۱۴۱۶: ۳۳۵/۱).

زمانی مسئول مافوق می‌تواند با افراد تحت امر برخورد لازم داشته باشد که حجت را بر آنان تمام نموده و عذری را برای کارمندان خود در مورد ارتکاب خلاف باقی نگذاشته باشد وگرنه حق کیفر آنان را ندارد؛ لذا امام علی علیه السلام از مالک می‌خواهد در صورتی با کارگزاران خاطی خود برخورد کند که حجت او نسبت به آنان به حد لازم و کافی ثابت باشد (قوچانی، ۱۳۷۷: ۴۹).

حضرت علی علیه السلام پرداخت حقوق مناسب به کارگزاران را دستاویزی می‌داند تا هنگامی که آنان از وظایف سرپیچی نموده و به امانت‌هایی که در اختیار آن‌ها قرار گرفته خیانت کردند، از آن استفاده به عمل آید (نهج البلاغه، نامه ۵۳ و ۲۰). کارمندی که به بهانه عدم دریافت حقوق کافی، تشویش افکار دارد و دنبال چند شغل است، بی شک با دریافت دستمزد مناسب، هیچ بهانه‌ای برای کم‌کاری، کارشکنی و یا حتی خیانت در اموال و امکانات، نخواهد داشت (عطاران طوسی، ۱۳۸۴: ۲۴۰).



اگر دولت‌مردان، نیازمندی کارگزاران را تأمین کنند و آن‌ها را در پرتگاه فقر، رها نسازند، قطعی است که بر آن‌ها اتمام حجت نموده‌اند و هیچ بهانه‌ای برای کم‌کاری، خیانت در امانت و رشوه‌خواری برای آن‌ها باقی نمی‌گذارند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۵: ۱۳۰/۷). ممکن است آن‌ها که در تنگنا قرار می‌گیرند و نفسی ضعیف دارند، رشوه‌خواری و خیانت به بیت‌المال را به‌عنوان «اکل میته» که برای افراد مضطر جایز است، برای خود توجیه کنند و آن را به حساب بی‌توجهی مقامات عالی‌رتبه بگذارند؛ لذا مدیران باید مسئولیت‌پذیر باشند و با توجه به نیازهای مالی کارگزاران و تلاش برای تأمین آن‌ها، حجت را بر آن‌ها تمام کنند (بهشتی، ۱۳۸۶: ۱۴۲/۶).

#### ۴. آسیب‌های عدم تأمین مالی کارگزاران

همان‌طور که تأمین مالی کارگزاران به میزان نیاز آنان فوایدی دارد، نقطهٔ مخالف آن یعنی عدم تأمین مالی کارگزاران آسیب‌هایی را در پی دارد. با تأمل در نظام اداری علوی علیه‌السلام، به این آسیب‌ها می‌توان پی برد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

##### ۴-۱. دریافت رشوه و هدیه

مکتب انسان‌ساز اسلام به‌عنوان یک جریان زنده و پویا، گرفتن رشوه را به‌مثابهٔ عملی زشت و گناهی بزرگ، معرفی کرده و انسان‌ها را از رشوه‌گرفتن و واسطه‌گری بین دهنده و گیرندهٔ آن، به‌شدت نهی نموده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۶/۵؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۷۲/۳). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «لعنت خدا بر رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و واسطهٔ میان آن دو باد!» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۲۶۶/۱).

امام علی علیه‌السلام نیز در نکوهش رشوه‌خواری و آثار وضعی آن چنین می‌فرماید:

رشوه‌خوار نمی‌تواند به قضاوت بپردازد؛ زیرا برای داوری حقوق مردم را، با رشوه گرفتن پایمال می‌کند و حق را به صاحبان آن نمی‌رساند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

از آنجایی که رشوه‌خواری، عملی غیرقانونی است و در عرف عامهٔ مردم نیز به‌عنوان امری نامطلوب و غیراخلاقی شناخته شده است، بیشتر با عناوین دیگری مثل: شیرینی، حقّ الزحمه، پول چای و هدیه از آن یاد می‌شود و رشوه‌گیرنده با تغییر نام و عنوان، زشتی عمل خویش را - به زعم خود - می‌پوشاند؛ درحالی که تغییر نام و عنوان، در ماهیت نامشروع رشوه، تأثیری ندارد و زشتی آن را دگرگون نخواهد کرد.

در اسلام، گرفتن و دادن هدیه در ذات خود تأکید شده و امری خوشایند است. حال این هدیه دادن چه به خویشاوندان باشد چه غیرخویشاوندان. علت این همه تأکید، این است که هدیه، کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌ها را از بین می‌برد و موجب دوستی می‌شود. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«هدیه بدهید و دوستی ایجاد کنید! زیرا هدیه دادن کینه‌توزی و دشمنی را از بین می‌برد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۷۲؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۲۷/۱).

گاهی عده‌ای به نام هدیه، اهداف شومی را دنبال می‌کنند (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۹۹/۳). آن‌ها با دادن هدیه، طرف مقابل را نمک‌گیر می‌نمایند؛ این موضوع، بیش‌تر به مدیران و مسئولان مربوط می‌شود؛ زیرا افراد فرصت‌طلب، به کسانی هدیه می‌دهند که کاری از دستشان ساخته باشد و هیچ‌وقت سراغ افراد گمنام نمی‌روند. بی‌شک که این نوع بذل و بخشش‌ها تله است؛ از این رو، هدیه گرفتن برای کسانی که منصب و قدرت دارند جایز نیست؛ زیرا دریافت چنین هدایایی زمینه‌ساز انحراف از حق می‌شود (غلامیان، ۱۳۹۰: ۶۵). از همین رو، پیامبرگرامی اسلام ﷺ هدیه گرفتن کارگزاران را ممنوع اعلام فرمود (متقی‌هندی، ۱۹۸۹: ۱۷۵/۶).

هرچند در سیره گفتاری امام علی علیه السلام آشکارا اشاره نشده که عدم تأمین مالی، باعث گرفتن رشوه و هدیه از سوی کارگزاران می‌شود، لکن به طریق مفهوم مخالف، می‌توان به این نتیجه رسید که اگر کارگزاران و مدیران، به میزان کافی از نظر مالی تأمین نشوند، طبیعتاً نیازهای خود را از راه‌های غیرقانونی و شرعی از جمله گرفتن رشوه و هدیه برطرف می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۵/۷۲؛ صدوق، ۱۴۰۶: ۲۶۱).

حضرت علی علیه السلام در بالاترین مرتبه، در سیره عملی خود نیز الگو برای زمام‌داران بود. «اشعث بن قیس» از جمله کسانی بود که می‌خواست رشوه‌ای را در قالب هدیه به امام تقدیم کند. او برای پیروزی بر طرف دعوای خود در محکمه عدل علی علیه السلام، شبانه ظرفی پر از حلوا لایذ به در خانه آن حضرت آورد و نام آن را هدیه گذاشت. امام علی علیه السلام این ماجرا را چنین بازگو می‌کند:

شب هنگام، کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سرپوشیده پر از حلوا داشت؛ معجونی در آن ظرف بود. چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمی یا قی کرده آن، مخلوط کرده‌اند. به او گفتم: هدیه است یا زکات و صدقه؟ که این دو، بر ما اهل بیت پیامبر ﷺ حرام است. گفت: «نه زکات است و نه صدقه، بلکه هدیه است.» گفتم: زنان بچه مرده بر تو بگیرند. آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی؟! به خدا سوگند!

اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان هاست، به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد... (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲).

#### ۴-۲. خیانت در بیت‌المال و اختلاس

امانت‌داری در اسلام، یکی از اصول مهم اخلاقی است. در حوزه اقتصادی نیز به‌عنوان اصل اساسی مطرح است، لذا کسانی که اهل خیانت هستند، نباید مسئولیتی به عهده آنان گذاشته شود؛ زیرا این افراد از نظر خداوند از دایره عدالت بیرون هستند و در زمره ظالمان شناخته و معرفی می‌شوند. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به زیاد بن ابیه، کارگزار خود در بصره، ضمن اشاره به خبر خیانت او در بیت‌المال، وی را از عواقب این امر برحذر داشته و به برخورد شدید در این مورد بیم داده است (همان، نامه ۳۰).

به کار گماردن افراد صالح در رأس امور، یکی از راه‌های مبارزه با شیوع فساد مالی در میان کارگزاران است (دادگر، ۱۳۸۲: ۱۰۸-۹۷)؛ زیرا افرادی که وفاداری بیشتری به دستورهای دینی دارند، احتمال آلوده شدنشان به فساد کمتر است (یزدان پناه، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۴۴). مسأله فشار زندگی و هزینه‌های بالای امور معیشتی، از عوامل انحراف کارگزاران و موجبات ارتکاب خلاف و یا اختلاس و دستبرد به بیت‌المال برای منافع شخصی است. اگر دستمزد و حقوق کارگزار، جوابگوی مخارجش نباشد و وی ایمان و تعهد لازم نداشته باشد، دست به سوی بیت‌المال که در اختیار دارد دراز می‌کند (مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۲۰۹/۱؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹؛ عبده، بی تا: ۲۲۹/۳).

در یک بررسی دقیق، معلوم می‌شود که نیاز مادی افراد و کافی نبودن درآمدهای آنان عامل بسیاری از اختلاس‌ها و چپاول اموال است. اختلاس، بر اثر عوامل دیگری همچون حرص، بی‌تقوایی و امثال آن است و طبیعتاً از بین بردن این‌گونه عوامل، از طریق تأمین حقوق مناسب نیز امکان‌پذیر نیست، ولی سامان دهی این ناهنجاری و فساد اداری، به میزان زیادی از طریق تأمین حقوق و دستمزد مناسب کارگزاران محقق می‌گردد. در نتیجه، کمتر شاهد اختلاس در اموال بیت‌المال، خواهیم بود (عطاران طوسی، ۱۳۸۴: ۲۳۹).

در مجموعه‌ای که کارگزاران آن از لحاظ مالی تأمین نباشند، احتمال اختلاس و کسب

درآمدهای حرام بسیار زیاد است؛ به همین سبب، امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه، عدم تأمین مالی کارگزاران را موجب روی آوردن آنان به اختلاس می‌داند.

در واقع حضرت، خطر در تنگنا قرار گرفتن کارمندان را این‌گونه گوشزد می‌کند که اگر آنان از حقوق خویش که زندگی‌شان را به‌طور کامل تأمین می‌کند، محروم باشند، ممکن است بعضی از آن‌ها نتوانند تحمل کنند و خواسته یا ناخواسته، به کجی گرایش یابند و به اموال و امکاناتی که در اختیارشان است، تعدی کنند و از آن به نفع خویش بهره ببرند. اما اگر کارگزاران به‌طور کامل و کافی تأمین شوند، دیگر چنین تنگنایی پدید نخواهد آمد و اگر کسی باوجود آن که به اندازه کافی تأمین شده، به خیانت و تجاوز دست دراز کند و در امانت‌داری و خدمت‌گزاری کوتاهی نماید، دیگر هیچ حجتی بر او نیست (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۶: ۱۵۳؛ پیروز، ۱۳۸۴: ۳۴۶؛ فرهادی نژاد، ۱۳۹۰: ۴۵-۵۷).

خلاصه این که فقر، اگر با ضعف ایمان در کارگزار همراه باشد، وی را به هرگونه دست‌درازی و خیانت در امانت مجبور می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۲/۵ و ۱۰۷؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۶۶/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱/۱۷)؛ اما برعکس اگر کارمند از لحاظ مالی تأمین باشد و اندکی هم ایمان داشته باشد، هرگز دست به خیانت نمی‌زند.

## ۶. نتیجه‌گیری

در نظام مدیریتی، از تأمین نیازهای انسان از راه‌های غیرقانونی و غیرشرعی، به فساد مالی و اداری تعبیر می‌شود. در واکاوی علل بروز فساد مالی و اداری، می‌توان یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های بروز فساد مالی و اداری را عدم تأمین مالی کارگزاران در نظام مدیریتی دانست. در سیره مدیریتی امام علی علیه السلام، توجه خاصی به تأمین مالی کارگزاران شده است. مطابق آموزه‌های علوی، مدیر در تأمین نیازهای کارگزاران باید نگاهش همه‌جانبه باشد و بدین گونه نباشد که به برخی نیازهای آنان توجه کند و از پاره‌ای دیگر غفلت نماید. از بررسی نظام اداری علوی علیه السلام، به دست می‌آید که در ارضای نیازهای کارگزاران نباید به حداقل بسنده کرد و در این راه باید بذل و بخشش وجود داشته باشد. البته این مطلب، بدان معنا نیست که باید بدون حساب و کتاب به کارگزاران حقوق داد. بنا بر نظام اداری علوی علیه السلام، تأمین مالی کارگزاران، آثار فراوانی در نظام مدیریتی دارد. امام علی علیه السلام یکی از مهم‌ترین فواید آن را اصلاح نفس کارگزاران می‌داند.

در صورتی که کارگزار به اندازه کافی برای شئون زندگی و افراد تحت تکفل خود حقوق دریافت کند، می‌تواند در مورد اصلاح خود از نظر تزکیه موفق باشد و بکوشد که خود و فرزندان را کنترل کند و در راه صحیح حرکت دهد. در مجموعه‌ای که کارگزاران آن از لحاظ مالی تأمین نباشند، احتمال اختلاس و کسب درآمدهای حرام بسیار زیاد است؛ به همین سبب، حضرت علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه، عدم تأمین مالی کارگزاران را موجب ارتکاب آنان به اختلاس می‌داند. اتمام حجت با مکلف، یکی از شرایط اولیه کیفر و مجازات و برخورد با خلاف کار است. چنانچه ولی امر و یا مدیران، حجت را بر افراد تحت امر خود تمام نکرده باشند، از نظر عقلی، قانونی و شرعی نمی‌توانند با آن‌ها برخورد لازم را داشته باشند؛ امام علی علیه السلام فایده تأمین مالی کارگزاران را اتمام حجت برای آنان و آن را دستاویزی برای مؤاخذه خطاکاران برمی‌شمارد. تأمل در نظام اداری علوی علیه السلام، نشان می‌دهد که عدم تأمین مالی کارگزاران، موجب کسب درآمد آن‌ها از راه‌های غیرقانونی و غیرشرعی از قبیل رشوه می‌گردد.



## منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. نهج البلاغه؛
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۲۸ق). کفایة الاصول، تحقیق: عباسعلی زارعی سبزواری، قم: موسسه نشر اسلامی؛
۴. ابن ابی جمهور، محمد بن علی. (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر؛
۵. ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۳۷۵ش). جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی؛
۶. ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ش). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق: محمود محمد طنحی و طاهر احمد زاوی، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان؛
۷. ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام، تحقیق: آصف فیضی، قم: موسسه آل البيت؛
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
۹. ابن فارس، احمد بن فارس. (بی تا). معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی؛
۱۰. احمدی، اصغر. (۱۳۸۹ش). «عوامل فرهنگی بروز فساد اداری و موانع فرهنگی مبارزه با آن»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۲، بهار؛
۱۱. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۱ش). عدالت در نظام سیاسی اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر؛
۱۲. الوانی، مهدی. (۱۳۷۹ش). مدیریت عمومی، تهران: نشر نی؛
۱۳. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۶ق). فرائد الاصول، قم: موسسه نشر اسلامی؛
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). أنساب الأشراف، بیروت: دارالفکر؛

۱۵. بهشتی، احمد. (۱۳۸۶ش). اندیشه سیاسی تربیتی علوی در نهج البلاغه، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛
۱۶. بیهقی، محمد بن حسین. (۱۳۷۵ش). حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه، تحقیق: عزیزالله عطاردی، قم: بنیاد نهج البلاغه؛
۱۷. پیروز، علی آقا، ابوطالب خدمتی، عباس شفیعی و محمود بهشتی نژاد، زیر نظر دکتر سید مهدی الوانی. (۱۳۸۴ش). مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛
۱۸. جبرئیلی، محمد صفر. (۱۳۸۱ش). آیین کشور داری، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر؛
۱۹. حبیبی، نادر. (۱۳۷۵ش). فساد اداری (عوامل موثر و روشهای مبارزه، اصفهان: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی وثقی؛
۲۰. حجازی، فخرالدین. (۱۳۶۰ش). «سیاست در نهج البلاغه»، در یادنامه دومین کنگره نهج البلاغه، بی جا: بنیاد نهج البلاغه؛
۲۱. حربی، ابراهیم بن اسحاق. (۱۴۰۵ق). غریب الحدیث، تحقیق: سلیمان ابراهیم محمد العابد، مکه: جامعه ام القری؛
۲۲. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام؛
۲۳. حکیمی، محمدرضا. (۱۳۷۸ش). جامعه‌سازی قرآنی (مقالات)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛
۲۴. خدمتی، ابوطالب، علی آقا پیروز و عباس شفیعی. (۱۳۸۱ش). مدیریت علوی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛
۲۵. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۴ش). «سیره حضرت علی علیه السلام در مبارزه با فساد اداری»، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۴۵، زمستان؛
۲۶. دنبلی خوئی، ابراهیم بن حسین. (۱۳۲۵ق). الدرّة النجفیة، تبریز: بی نا؛
۲۷. دادگر، حسن. (۱۳۸۲ش). «رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور»، اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، پاییز؛
۲۸. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۶ش). ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج البلاغه، تهران:

- دریا؛
۲۹. ذاکری، علی اکبر. (۱۳۸۶ش). سیمای کارگزاران علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین علیه السلام، قم: بوستان کتاب؛
۳۰. صائب، عبدالحمید. (۱۳۸۳ش). بررسی تاریخی سنت پیامبر، ترجمه: حسین ادیب، قم: دایره المعارف فقه اسلامی، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه؛
۳۱. صدوق، محمدبن علی. (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر؛
۳۲. \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۲ش). الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
۳۳. \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛
۳۴. صدیق عربانی، یوسف. (۱۳۸۲ش). «سیره نظری و عملی امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد عدالت اجتماعی»، مجموعه مقالات برگزیده همایش عدالت اجتماعی و امیرالمؤمنین، به اهتمام: محمدحسین رضایی، تهران: مؤسسه چاپ و دانشگاه امام حسین؛
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو؛
۳۶. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: شیخ آغابزرگ تهرانی و احمد قصیرعاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛
۳۷. عبده، محمد. (بی تا). شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، قاهره: مطبعة الاستقامة؛
۳۸. عطاران طوسی، علی اصغر. (۱۳۸۴ش). نقش و حقوق کارکنان در سازمان ها از دیدگاه امام علی علیه السلام، قم: بوستان کتاب؛
۳۹. غلامعلی، احمد. (۱۳۸۹ش). شناخت نامه نهج البلاغه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب (سمت)؛
۴۰. غلامیان، مجید. (۱۳۹۰ش). مدیریت و اخلاق اسلامی، قم: انتشارات دلفام؛
۴۱. فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛
۴۲. فرهادی نژاد، محسن و محمد لگزبان. (۱۳۹۰ش). «پیمایشی طولی در زمینه علل فساد



- اداری و روشهای کنترل آن»، چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۸، زمستان؛
۴۳. قربانی، زین العابدین. (۱۳۶۰ش). «حقوق از دیدگاه نهج البلاغه»، در یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه، بی جا: بنیاد نهج البلاغه؛
۴۴. قوچانی، محمود. (۱۳۷۷ش). فرمان حکومتی پیرامون مدیریت: شرح عهدنامه امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام به مالک اشتر، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی؛
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية؛
۴۶. متقی هندی، علی بن حسام الدین. (۱۹۸۹م). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق: بکری حیانی، بیروت: موسسه الرساله؛
۴۷. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛
۴۸. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۹ش). سیاست نامه امام علی علیه السلام، ترجمه: مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث؛
۴۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۵ش). سیری در نهج البلاغه، تهران: صدرا؛
۵۰. منقری کوفی، نصر بن مزاحم. (۱۴۰۴ق). وقعة الصفین، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی؛
۵۱. موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد. (۱۳۸۲ش). فساد مالی و اقتصادی (ریشه ها، پیامدها و پیشگیری و مقابله)، تهران: موسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد؛
۵۲. موسوی، سید عباسعلی. (۱۳۷۶ش). شرح نهج البلاغه، بیروت: دار الرسول الاکرم صلی الله علیه و آله و سلم؛
۵۳. نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۷ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث؛
۵۴. یزدان پناه، لیلا، هادی حسن دوست فرخانی، داریوش بوستانی و امید رضایی. (۱۳۹۲ش). «بررسی رابطه نگرش به فساد اداری و دینداری»، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی، شماره ۱۰، تابستان.